

هرچند مسلک این نشریه درج مقالاتی است که بنای آن بر تتبع و تحقیق باشد و نشر اشعار معاصران مطابق روش آن نیست ولیکن نظر بآنکه منظومه ذیل اثر طبع دانشمند ارجمند مشهور جناب آقای حکمت وزیر اسبق فرهنگ و استاد دانشگاه تهران که بیاد آذربایجان سروده‌اند مشتمل بر ذکر اماکن تاریخی این سامان و از این لحاظ مطالعه آن قابل توجه و تحقیق میباشد بدرج آن مبادرت شد.

بیاد تبریز

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
 نغمه‌ها کن ساز زین مرغ گرفتار قفس
 مردم ایران اگر دارند بر جان آذری
 شعله از عشق آذربایجان دارند و بس
 وادی ایمن مرا تبریز و طور من سهند^۱
 برق حق آنجا درخشان چون شهابی از قوس
 بگذری روزی اگر بر خاک تبریز عزیز
 ای نسیم صبحدم ما را ز تست این ملتس
 بر سلام هم نفس یاران در آن فرخ دیار
 بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
 منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام
 شهر تبریز است منزلگاه اختیار و کرام
 در فضای روضه تبریز آزادست جان
 گر بصید مرغ دل طهران بسی بنهاد دام
 از ریای ظاهر طهرانیانم دل گرفت
 از صفای باطن تبریزیان جوئیم کام
 تا که آب سنگلج چون زهر شد در کام من
 شربت جان از چرنداب^۲ و گجیل^۳ آرم بجام
 جان فدای آن شتر بان^۴ کز هوایش گوش دل
 پر صدای کاروان بینمی و پر بانگ جرس

۱- وادی ایمن... الخ. اشاره است بآیات مبارکه وارده در قرآن در باب موسی و وادی ایمن و کوه طور.

۲- چرنداب. از محلات تبریز.

۳- گجیل. از محلات تبریز که قبرستان آن فعلاً بی‌اغملی تبدیل شده است.

۴- شتر بان. محله ایست در تبریز و بترکی «دوچی» میگویند.

محمل جانان بیوس آنکه بزاری عرضه دار کای برخماه دوهفته‌وی بمو مشکک تتر
 در ره آورد سفر نبود اگر سیم وزری درقدومت روی زرد آریم و چشم اشکبار
 خون بگریددیده بر ویرانه ربع رشید^۱ دل سرایدنوحه برار که علیشه^۲ چون هزار
 تا کبودین گنبد شاه جهان^۳ شد واژگون واژگون شد گنبد این طارم نیلی حصار
 مهر بانان جمله در تبریز و من فریاد خواه
 «کز فراق سوختم ای مهر بان فریادرس»

من که قول ناصحان را خواندمی بانگ رباب پند پیران بایدم چون رفت ایام شباب
 برفشان ای دیده اندر یاد قطران قطرها دورماندی چون ز قول صائب و رای صواب
 شاعران خفته بسرخاب^۴ اند در خاک سیاه رودها بر روی زرد ماروان از سرخ آب
 گلشنی از راز بین خرم ز آب معرفت پرز گلپای معانی از شبستر^۵ تا سراب^۶
 تا بیستم تار دل بر نغمه تر که از عراق
 گوشمالی خوردم از هجران که اینم پند پس

عشرت شبگیر کن می نوش کاند در راه عشق خسرو وقتی چوباشی بنده در گاه عشق
 بگذری گر از سر شبلی^۷ پپای اشتیاق صد جنید اندر رخت بینی همه گمراه عشق
 چون رسی در شهر جانان بر تو از اوج کمال نور افشانند بسی خورشید شوق و ماه عشق
 نیست در آن شهر نامی از عسس زیرا که هست پاسبان هستی از باب دولت شاه عشق

۱- ربع رشید. اشاره است بمحله^۱ موسوم به «ربع رشیدی» که خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر در قرن هفتم در تبریز بنا نهاد و بعداً ویرانه شد.

۲- ار که علیشاه اشاره است بینا و طاق مرتفعی منسوب بتاج الدین علیشاه گیلانی وزیر غازان خان مغول که خرابه‌های آن در باغ ملی شهر باقیست.

۳- کبودین گنبد شاه جهان. اشاره است بمسجد کبود بنای جهان شاه تر که من قره قویونلو در ۸۷۰ که در اثر زلزله ویران شد.

۴- سرخاب. از محلات معروف تبریز.

۵- شبستر از قصبات معروف در ۵۲ کیلومتری شمال غربی تبریز. مولد شیخ محمود شبستری صاحب مثنوی گلشن راز.

۶- سراب نام شهر معروف تاریخی در آذربایجان ۱۲۴ کیلومتری شرقی تبریز.

۷- شبلی نام گردنه ایست مابین بوستان آباد و تبریز.

لیکک ایمن گنج دل نبود زطراران زلف

شب روانرا آشنائیهاست باهیر عسس

عشقبازی کار بازی نیست ایجان سربباز چون بترک جان و سرگفتی در این میدان بنواز

شمه از راز حق در گلشن تبریز بوی بوستان آباد^۱ دل را گلشنی فرما بر از

ای همایون شهر از مردان نام آور ببال وی مبارک قریه از پیران روشن دل بنواز

اهرم را ز آتش زردشت پیغمبر بسوز خاکه ایرانرا بهشت از فریزدانی بساز

صاحب الامری سرما گوی و در میدان^۲ تست

زانکه گوی عشق نتوان زد بچوگان هوس

دل بر غبت میسپارد جان بچشم مست یار گو از آن مستی مبادا تا ابد جان هوشیار

صوفیان^۳ سرخوش بهترینند از مهر علی کرده گیتی روشن از عون علی^۴ خورشیدوار

سدره را شاخی زباغ صاحب دیوان^۵ بین بحر گردون قطره زاستخر شاه^۶ کامکار

گشت کام جان ما شیرین ز آب تلخ رود^۷ تازهجر خشک رود^۸ اشک است جاری بر عذار

در کف خوبان تبریز اختیار جان ماست

گر چه هشیاران ندادند اختیار خود بکس

طوطیان درشکرستان کامرانی میکنند تنگ شکر زان لب چون لعل کانی میکنند

۱- بوستان آباد- قریه ایست در حدود ۷۲ کیلومتری تبریز.

۲- میدان صاحب الامر. میدان معروفی است در تبریز که بقعه بهمان نام در آن قرار دارد.

۳- صوفیان- نام دهستانی است در شمال باختری تبریز.

۴- عون علی- اشاره است بامامزاده عون ابن علی ع که در کوهی بهمان اسم در شمال

خاوری تبریز قرار دارد.

۵- باغ صاحب دیوان- باغ معروفی است در بیرون تبریز.

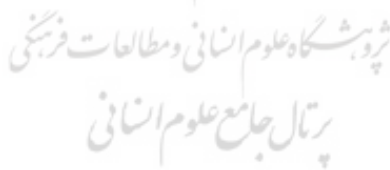
۶- استخر شاه- اشاره باستخر بزرگی از ابنیه سلاطین جلایر در سه کیلومتری تبریز

که بترکی آنرا «شاه گولی» گویند.

۷- تلخ رود- رودخانه ایست در خاور تبریز که بدریاچه رضائیه میریزد.

۸- خشک رود- مسیلی است در وسط شهر تبریز.

دور از باغ گلستان^۱ ما زهجران تلخ کام بلبلان در بوستان شیرین زبانی میکنند
 گلرخان اندر خیابان^۲ وعده‌ها با عاشقان زیر چشمی میدهند و دلستانی میکنند
 مرغها در شاخسار باغهای نوبران^۳ یادهای گوئی ز عصر ئیلخانی میکنند^۴
 شاهبازان پای بردست سلاطین میزنند
 وز تحسردست بر سر میزند مسکین مگس
 نامحافظ گر بر آید بر زبان کلک که دوست نامه اش مشکین چو خط شاهدان خوبروست
 در هوای جنت تبریز تبریزه زتن نوش کن آبش اگر آب حیات^۵ آرزوست
 آتش موسی است بادش کايد از باغ شمال^۶ همچو آب خضر خاکش جانفز او مشکبوست
 شهر تبریز آسمان و پاریسی گویان چوماه شمس حق^۷ پیدا و پنهان در غزلهای نکوست
 گر کند یادی ز حکمت پاریسی گو تر که من
 «از جناب حضرت شام بس است این ملتشمس»



- ۱- باغ گلستان- باغ علمی شهر تبریز که سابقاً قبرستان بوده است و فعلاً محل مصفائی است.
- ۲- خیابان- یکی از محلات معروف تبریز.
- ۳- نوبران- یکی از محلات معروف تبریز.
- ۴- عصر ایلخانی- اشاره بدوره سلطنت ئیلخانیان در آذربایجان.
- ۵- آب حیات- ایهام بقنات معروفی بهمان اسم که برای شرب اهل تبریز اختصاص دارد.
- ۶- باغ شمال- نام باغ معروفی است در خارج شهر تبریز.
- ۷- شمس حق- اشاره است به شمس تبریزی و دیوان غزلیات منسوب باو.